

# جنگ، جنگ، تا پیروزی

بسم الله الرحمن الرحيم

یکسال از شروع جنگ تحمیلی عراق آمریکائی بر ایران اسلامی میگذرد. یکسال از مقاومت قهرمانانه مردم دلاور و سلحشور میهن اسلامی در برابر تجاوزگران کافر میگذرد. سالی که نشان دهنده ایستادگی و استواری مردم رنجکشیده مان در برابر حملات وحشیانه مزدوران امپریالیسم و حاکی از برتری قدرت ایمان بر سلاح بوده است. انقلاب خونبار اسلامی ایران بعثت جوهر مکتبی خود از همان ابتدا مورد پورش و تهاجم سلطه گران واقع شد و آنان هر روز به بهانه ای در صدد بر آمدند تا انقلاب را به شکست کشانیده و یا منحرف سازند. در این میان امریکای جهانخوار که بیشترین اسب را در اثر پیروزی انقلاب پذیرا شده و منافع بی شمارش را در خلیج فارس از دست رفته می دید تلاش گسترده و همه جانبه ای را برای شکستن سد مقاومت مردم قهرمان ایران آغاز کرد و همه امکانات و نیروهای خود را بکار گرفت تا شاید لااقل سرعت انقلاب را کند کرده و از سرایت آن به دیگر مناطق تحت ستم جلو گیری نماید. اما به یاری خدای تبارک و تعالی و به همت امت بیدار ایران تمام نقشه ها و طرحهای شیطان بزرگ اعم از به سازش کشانیدن انقلاب، محاصره اقتصادی، حمله نظامی، کودتا، تفرقه افکنی در بین صفوف بهم فشرده ملت، جنگ افرینی در کردستان و گنبد، همه و همه نقش بر آب گردید و ام الفساد قرن بناچار به چاره اندیشی پرداخت تا حيله دیگری را تجربه کند و در این بین رژیم فاشیستی عراق سخت مورد توجه امپریالیستها قرار گرفت رژیم مزدور عراق که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی دریافته بود که امواج خروشان این انقلاب شکوهمند سرانجام به سرزمین عراق هم خواهد رسید و بنیان رژیم جور و ستم صدامی را بر هم خواهد زد، بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمام همت خود را در جهت پدید آوردن مشکلات برای ایران بکار بست. صدام کافر علاوه بر مسلح کردن عناصر وابسته به امریکا در کردستان و برخی نقاط دیگر نظیر خوزستان، تبلیغات

گسترده ای را نیز از طریق رادیو بغداد بر علیه انقلاب اسلامی آغاز کرد ضمن آنکه تمامی امکانات خود را هم در اختیار فراریانی نظیر اویسی و پالیزبان و حتی

**\* جنگ تحمیلی باعث شد تا انقلاب اسلامی رشد و تکامل بیشتری یافته و به درجات بالاتری از تعمیق انقلاب دست یابد.**



و... به کودکان معصوم و بیگانه ای که قربانیان ارتش عراق هستند، نگاه کنید. موشکهای صدام آنها را بخاطر زنده اند، زیرا هریک از آنان در آینده رزمنده ای دلیر و شجاع برای دفاع از انقلاب و ایران خواهند بود و جای تعجب نیست که صدام این چنین از آنان در هراس است.

بختیار خانن قرار داد تا آنها بتوانند از طریق پایگاه عراق بر علیه جمهوری اسلامی فعالیت نمایند. ایجاد رادیو برای این فراریان و کمکهای نظامی صدام به آنان از جمله اعمالی است که صدام در این جهت انجام داده است اما با همه این احوال روز بروز بر

قدرت و ثبات جمهوری اسلامی افزوده شده و توانائی رژیم صدام برای سرکوبی مردم مسلمان عراق کم می شد تا آن که سرانجام پس از مدتها دست اندازی عراق به سرزمین ایران که از طریق فرستادن مزدورانی برای انفجار لوله های نفتی به ایران صورت میگرفت، به دستور شیطان بزرگ وارد مرحله تازه ای گردید. امریکا با پی بردن به قدرت انقلاب اسلامی و برد وسیع آن در بین مسلمانان جهان و بخصوص مردم مستضعف کشورهای همجوار از یکسو و مشکلاتی که عراق در درون کشور با آن روبرو بود و بیم آن میرفت که در عراق نیز انقلاب دیگری صورت پذیرد، از سوی دیگر، بر آن شد تا طرح شیطانی خود را به اجرا در آورد. امریکا میدانست که افغانستان دارای مشکلات خاص خود بوده و از طریق آن امریکا نمیتواند اقدامی بر علیه انقلاب اسلامی نموده یا از تاثیر انقلاب اسلامی در آنجا بکاهد. پاکستان نیز که از مدتها قبل توسط نظامیان امریکائی اداره میشد، دیکتاتورهای آن منطقه قادرند تا هر حرکتی را که باعث انقلاب اسلامی ایران باشد با پشتیبانی امریکا خنثی نمایند. بدین لحاظ هراس امریکا از صدور انقلاب اسلامی از دو ناحیه بود اول ترکیه و دوم عراق. امریکا برای جلو گیری از صدور انقلاب بدین دو منطقه نیز اقدامی را به مرحله اجرا در آورد. ترکیه با ترسب دادن یک کودتای نظامی و سرکوب و دستگیری رهبران اسلامی آنجا توسط کودتاگران تا حدی جلو خطر را گرفت و در عراق نیز که عجز صدام از پدید آمدن قیام اسلامی انکار شده بود ترفند امریکا آن بود که جنگی را بر ملت های مسلمان ایران و عراق تحمیل نماید. بدین منظور صدام برای آغاز جنگ بر علیه جمهوری اسلامی پلانه های واهی را دستاویز قرار داد. من جمله آنکه ایران را متهم به دخالت در امور داخلی عراق نمود؛ در واقع صدام پشتیبانی وسیع مردم مسلمان عراق از انقلاب اسلامی ایران و حمایت همه جانبه آنان از رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی را دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی عراق تلقی نمود!

عراق همچنین فراداد ۱۹۷۵ بین ایران و عراق را که در الجزایر به امضاء رسیده بود و بر طبق آن ایران بایستی از دخالت در امور داخلی عراق و بخصوص کمک به کردهای آن منطقه خودداری کرده و در عوض حاکمیت سه جزیره تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی به ایران تعلق می‌گرفت را نیز بعنوان بهانه‌ای در این راه بکار گرفت و خواستار باز پس گرفتن سه جزیره مذکور شد و در واقع این عراق بود که این قرارداد را زیر پا نهاد. البته لازم به یاد آوری است که آمریکا (بعثت) اعتمادی که به شاه خان برای ژاندارمی خلیج فارس داشت) تمایل به حاکمیت ایران در آن زمان برای جزایر سه گانه داشت اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و خارج شدن ایران از زیر سلطه ابر قدرتها، آمریکا تصمیم گرفت تا این سه جزیره را به نوکر جدید صدام بسپارد و با همین بهانه‌ها آمریکا عراق را تحریک به جنگ با ایران نمود تا به خیال خام خود در عرض چندروز مقاومت مردم ایران را در هم شکسته و راه را برای نفوذ مجدد خود باز گرداند. البته در این محاسبات غلط آمریکا و صدام، ژنرالهای فراری ارتش شاه نیز نقش فراوانی داشتند و با تبلیغاتی مبنی بر آنکه ارتش ایران از هم پاشیده و ایران فاقد منسجم زمان شاه میباشد سبب گردیدند تا صدام و آمریکا به اشتباه افتاده و به خیال تسخیر ایران در ظرف چندروز به ایران حمله نمایند. اما ژنرالهای شاهنشاهی فراموش کرده بودند که اگر ایران اسلامی ارتش زمان شاه را ندارد، در عوض قدرت ایمان مردم سلحشور و همراهی و پشتیبانی آنان از نیروهای نظامی صدچندان گردیده است.

### اهداف جنگ تحمیلی از دیدگاه آمریکا و عراق

بطور خلاصه باید اهداف این جنگ تحمیلی را از نظر گاهی که آمریکا عراق را تحریک به انجام آن نموده بدینگونه بر شمريم:

۱- ممانعت از صدور انقلاب اسلامی - آمریکا میدانست که چنانچه انقلاب اسلامی را بحال نوزد گذارد، با توجه به پتانسیل انقلابی مردم ایران و زمینه‌های موجود در کشورهای همجوار ایران بزودی انقلاب اسلامی در سطح منطقه گسترش پیدا نموده و در انصورت کنترل آن بسیار دشوار بوده و دیری نخواهد پایید که در تمام کشورهای عربی قیامهای اسلامی بر پا شده و منافع امپریالیسم برای همیشه از دست خواهد رفت. برای جلوگیری از این امر تنها راه برای آمریکا آن بود که انقلاب اسلامی را در درون به خود مشغول کند تا برد خارجی آن

روزبروز کمتر گردد و باصطلاح موضع تهاجمی انقلاب اسلامی را به موضع تدافعی تبدیل نماید. با توجه به آنچه که ذکر گردید شیطان بزرگ، عراق را که برای پذیرش انقلاب اسلامی مستعدترین کشور هم بود (بلحاظ وجود مقبره امامان شعبیه در آن منطقه و همچنین حضور امام خمینی برای حدود ۱۵ سال در آن منطقه و همینطور گسترش مبارزات اسلامی مردم آنجا بدلیل وجود رژیم

**\* اکنون آمریکا و صدام به روشنی دریافته‌اند که به هیچیک از اهداف خود دست نیافته و بلکه برعکس سبب تحکیم هرچه بیشتر پایه‌های جمهوری اسلامی شده‌اند.**



خمینی بزرگ هنوز هم میتواند ادعا کند که سربازانش در گهواره‌ها خوابیده‌اند این کودکان، باتمام کودکان جهان متفاوت اند. آنها یارانی هستند که امام چشم امیدش را به آنان دوخته است. این چنین کودکانی را در کجا سراغ دارید؟

فاشیستی (بعث) برای این امر برگزید تا ضمن کشاندن انقلاب ایران از صدور آن به دیگر کشورهای عربی نیز جلوگیری نموده و قیام اسلامی عراق را نیز دچار اضمحلال نماید. که البته ما در آتیه روشن خواهیم نمود که جنگ نه تنها از گسترش انقلاب اسلامی جلوگیری نکرد و بر شدت آن نیز افزود.

۲- برهم زدن پایداری جمهوری اسلامی - آنچه که آمریکا در اثر تجربیات سالهای متممادی سرکوب انقلابها بدست آورده بود آن بود که چنانچه انقلابی تحکیم یافته و دارای ثبات و پایداری گردد بر هم زدن آن بسیار

دشوار بوده و حتی المقبور کوشش خود را بکار بست تا ایران را از رسیدن به وضع عادی و روال طبیعی محروم سازد. شدت یافتن توطئه‌های شیطان بزرگ در هنگام تشکیل مجلس خبرگان، رفتارندوم قانون اساسی و مواردی از این قبیل که تثبیت هر چه بیشتر نظام را در پی داشت گواهی بر صحت این مدعا میباشد. تحمیل این جنگ به ایران نیز از جمله بخاطر آن صورت گرفت تا نظام ایران دچار تزلزل شده و آمریکا بتواند نقشه‌های دیگری را نیز به اجرا در آورد. که البته برای رسیدن به این مقصود، گروههای داخلی نیز از انجام هر نوع کمکی به آمریکا دریغ نورزیده و در نهایت فرصت طلبی از جو پدید آمده سوء استفاده نمودند. تحریک اوارگان جنگی، تلاش برای ایجاد اغتشاش در کارهای تولیدی، کوشش برای برهم زدن نظم کشور و حتی اخلاف در جبهه‌های جنگ از

عملیات آنان بوده است که در این زمینه نیز با هوشیاری مردم بیدار و همبستگی و وحدت روزافزون آنان این حیل نیز بجائی نرسید و رسوائی و شکست آمریکا و گروههای هوادارش را سبب گردید.

۳- وابسته کردن اقتصاد ایران - آمریکا با تحمیل این جنگ بران بود تا اقتصاد ایران را که هنوز از وضعیت بحرانی خارج نشده بود، فلج سازد و برای این کار از یک طرف ستون پنجم آمریکا با پخش شایعات گوناگون درصدد تحریک مردم به ذخیره سازی برآمدند و از طرف دیگر سرمایه داران وابسته به آمریکا نیز به احتکار مایحتاج مردم همت گماشتند. و از همه مهمتر آمریکا میخواست تا وابستگی تسلیحاتی ایران را برملا ساخته و ایران را وادار نماید تا با از دست دادن سلاحهای خود بناچار بدامان آمریکا برای دریافت اسلحه پناه ببرد! و در حال شیطان بزرگ میخواست تا با افزایش بودجه نظامی ایران، بودجه عمرانی آنرا کاهش دهد تا مردم را از انقلاب سرخورده نموده و زمینه بروز نارضایتی در آنان را فراهم سازد. این امر میتوانست امکان دیگری را نیز برای ایران پدید آورد و آن اینکه ایران مجبور شود برای جبران هزینه جنگ (شامل هزینه های تسلیحاتی و مخارج مربوط به اوارگان جنگ و مشکلات ناشی از جنگ) اقدام به تولید نفت بیشتری نماید و از آنجا که به این ترتیب ایران در موقعیت فشار ناچار به فروش نفت است، اولاً قیمت نفت کاهش یابد و ثانیاً آمریکا از این طریق بتواند توسط دیگر همبیمانانش فشار بازهم بیشتری به ایران وارد آورد. که البته این امور نیز هیچکدام به نفع آمریکا اتفاق نیفتاد و با توجه به طرحهای

# جنگ، جنگ، تاپیروزی

سهیمه بندی که در زمان جنگ پدید آمد تا حدودی از کمبود و گرامی بیشتر کالا جلوگیری گردید و مردم نیز تمامی توان خود را برای کمک به سربازان اسلام از یک طرف و جنگ زدگان از طرف دیگر بکار گرفتند و ایران اسلامی نیز هرگز ناگزیر از فروش نفت به میزان زیاد، به قیمت ارزان نگردید و حتی ثابت قدمتر از سایر کشورهای اوپک خواستار افزایش بهای نفت و کاهش تولید آن گردید.

**\* حضور یکپارچه و متحد مردم در صحنه های جنگ و در کمک رسانی به جبهه ها در پشت جبهه حاکی از تقویت روحیه استقامت و پایداری مردم مسلمان و وحدت مجدد آنان در مقابله با دشمن کافر بود.**

۴- پدید آوردن اسرائیلی جدید در منطقه - طرح دیگری که آمریکا تصمیم داشت تا توسط آن انقلاب اسلامی را با بحران روبرو ساخته و علاوه بر آن خاورمیانه را نیز دچار بحران تازه ای نماید آن بود که عراق با اشغال قسمتی از خاک ایران و بخصوص منطقه نفت خیز خوزستان اسرائیل تازه تری در منطقه بوجود آورد تا جمهوری اسلامی نیز امکانات خود را برای مقابله با آن مصرف نموده و از گسترش دامنه انقلاب اسلامی در منطقه بدین وسیله جلوگیری بعمل آید. این طرح که بعلمت وضعیت خاص خوزستان (وجود نفت از لحاظ اقتصادی و قومیت عربی از لحاظ سیاسی - اجتماعی) از ابتدای پیروزی انقلاب همواره مورد توجه آمریکا بوده است در صورت پیروزی میخواست حاکمیت خلیج فارس را نیز به شکل قابل ملاحظه ای در اختیار امپریالیسم قرار دهد و در ضمن کانون بحران خاورمیانه را از اسرائیل به سمت خوزستان منعطف سازد که بعلمت عدم محاسبه درست صدام و آمریکا از نیروی مقاومت مردم ایران مراحل اولیه اجرای این نقشه یعنی اشغال کامل خوزستان نیز به ثمر نرسید.

۵- متوقف ساختن مبارزات ضد

صهیونیستی - بدنیال پیروزی انقلاب اسلامی و جهت گیری اصولی آن مبنی بر آزادی بیت المقدس ضربه ای شدید بر بیکر آمریکا و اسرائیل وارد آورد تا آنجا که «بگین» نیز بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی از آن بعنوان زلزله ای درخاورمیانه یاد کرد. اسرائیل، ایران اسلامی را نیروی بالقوه ای میدانست که سرانجام روزی به جنگ با اسرائیل غاصب برخواید خواست و از آنجا که اعراب نیز عدم توانایی خود را در مبارزه با اسرائیل، بعلمت سازش کردن رهبرانی نظیر سادات و شاه حسین از یک طرف و تکیه بیش از حد بر ناسیونالیسم عربی که پتانسیل انقلابی خود را از دست داده از طرف دیگر، نشان دادند و انقلاب اسلامی با استراتژی نوینی که در این راه برگزیده بود (سیخ همه مسلمانان بر علیه اسرائیل حول محور اسلام و تشکل و وحدت آنان بر همین پایه) میتوانست خطر عمده ای برای اسرائیل باشد. آمریکا میخواست تا با این نقشه شیطان امپریالیستی صهیونیستی تا حد ممکن امکانات ایران را برای مبارزه با اسرائیل کاهش داده و اساساً مسئله اسرائیل در خاورمیانه را به موضوع مرده ای بدل سازد و در ضمن راه را برای قدرت یافتن هر چه بیشتر اسرائیل و بالتجیبه دست اندازی آن به عراق نیز که هیچگاه به مبارزه عملی با اسرائیل دست نرزد و حتی در سال ۱۹۷۷، سه تن از رهبران فلسطینی بناهای شهید سعید حمای در لندن شهید علی یاسین در کویت و شهید عزالدین فلق در پاریس را ترور کرده است. بیدرنگ مجری این طرح گردید و با این کار برخلاف ادعای عربیت صدام، به آرمان اعراب نیز لطمه وارد آورد و با این کار خود باعث گردید. تا اسرائیل با خاطری آسوده تر به تجاوزات خود به جنوب لبنان ادامه دهد.

۶- به سازش کشیدن انقلاب اسلامی - آنچه که برای آمریکا مطرح بوده و هنوز نیز مطرح میباشد آن است که محتوای انقلاب اسلامی را از آن بگیرد و پوسته ای از آن بجای گذارد. آمریکا از اسلام سادات و ضیاء الحق و کسانی همچون اینها هیچ ترسی ندارد و حتی به اشاعه آن نیز کمک میکند آنچه که آمریکا را به هراس وامیدارد اسلام سازش ناپذیری است که امام خمینی و بزرگهای آنرا بر شمرده و ترسیم نموده است اخذ امام) و همین اسلام راستین است که

آرامش و آسایش را از آمریکا سلب نموده و مطمئناً سرانجام نیز همین اسلام است که قدرت ابرقدرتها را به نابودی خواهد کشانید. بدین لحاظ سعی شیطان بزرگ از بوده است که انقلاب اسلامی را به گونه ای وارونه در نزد ملت‌های تحت ستم جلوه داده و خلافت آنرا سلب نماید. فعالیت‌های بی وقفه دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیسم از ابتدای انقلاب تا کنون در این جهت نیز تماماً بمنظور مخدوش کردن چهره انقلاب اسلامی و پدید آوردن چهره زشتی از اسلام آنچنان که امام میگوید، صورت پذیرفته است. آمریکا میخواست تا با تحمیل این جنگ پس از مدتی ایران را وادار به صلحی تعمیلی و غیر اصولی و سازش از موضع ضعف سازد تا بتواند این مسئله را تا حد امکان در سطح جهان بزرگ نموده و اینطور وانمود کند که بالاخره انقلاب اسلامی را ناگزیر از سازش با نوکر خود صدام نموده است غافل از آنکه ملت قهرمان ایران به پیروی از اسلام راستین و امامان سازش ناپذیری همچون امام حسین (ع) هرگز تن به چنین ذلتی نداده و قاطع و استوار به جنگ ادامه خواهند داد که این رهنمود امام کبیر این امت است که: «این جنگ اگر بیست سال هم طول بکشد ما

**\* روحیه شهادت طلبی ملت ما که اینک جای رخوت و سستی دوران طاغوت را گرفته است میتواند به تغییر فرهنگ مادی حاکم بر جوامع بشری منجر گشته و بشریت را از اسارت مادیات رهائی بخشد.**

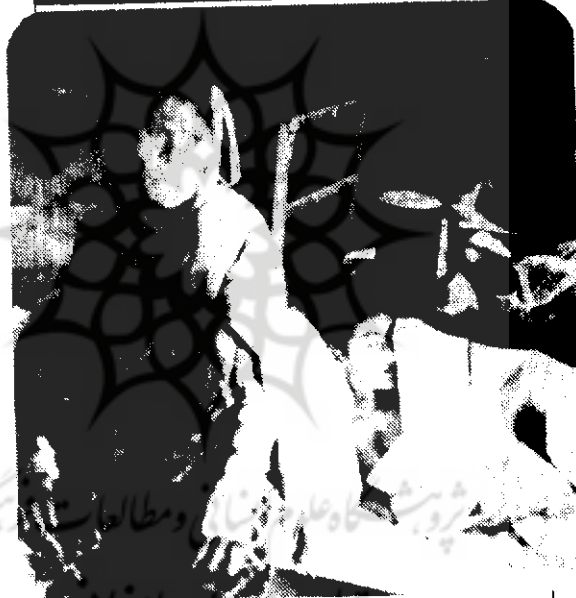
استاد ایم»

## اثرات جنگ

بدون شک اثرات منفی این جنگ تعمیلی را به هیچ وجه نمیتوان منکر شد. جنگ سبب وارد آمدن ضربات اقتصادی بر مردم ایران و عراق گردید و با از بین رفتن تأسیسات اقتصادی و نظامی، همچنین از دست رفتن سلاح‌هایی که بایستی بر علیه صهیونیسم بکار گرفته میشد، زیان‌هایی بر ایران وارد آمد، پدید آمدن مشکلاتی نظیر

مسئله آوارگان جنگی و ویرانیهای ناشی از جنگ و تلفات نیروهای انسانی و از دست رفتن جمعی از فداکارترین و مومن ترین جوانان میهن اسلامی نیز از جمله دیگر زیانهای جنگ بوده است. شادی امپریالیستها و صهیونیستها از بروز جنگ جدیدی درخاورمیانه و هدر رفتن نیروهای اسلام را هم بعنوان ضررهای جنگ میتوان تلقی نمود. از طرف دیگر گروههای آمریکایی با استفاده از جو جنگ مشکلاتی برای انقلاب اسلامی پدید آوردند و هر روز با نیرنگی خائنه درصدد تضعیف جمهوری اسلامی برآمدند. این گروهکها بمحض شروع جنگ عده ای به ایجاد زمینه برای جنگ داخلی پرداختند و با تلاش جهت برهم زدن نظم کشور و تحریک آوارگان جنگی بران بودند تا روحیه ملت را تضعیف نموده و جنگ داخلی را نیز به میهن اسلامی تحمیل نمایند. همین گروهکها با اخلال درجه های جنگ و سرقت سلاحها، همچنین دادن اطلاعات نظامی به بعثیون عراق نقش ستون پنجم را در رابطه با جنگ ایفا نموده و از این جهات در نهایت خیانت کاری درصدد ضربه زدن به انقلاب اسلامی برآمدند و در این زمینه نیز مشکلاتی برای جمهوری نوپای اسلامی فراهم آوردند. اما با همه این احوال اثرات مثبت این جنگ بر مراتب بیشتر از اثرات منفی آن بوده و دستاوردهای بیشماری از این راه نصیب ملت های عراق و ایران گردید. جنگ تحمیلی باعث شد تا انقلاب اسلامی رشد و تکامل بیشتری پیدا نموده و به درجات بالایی از تعمیق انقلاب منجر شود. حضور یکپارچه و متحد مردم در صحنه های جنگ و در کمک رسانی به جبهه ها در پشت جبهه حاکی از تقویت روحیه استقامت و پایداری مردم مسلمان و وحدت مجدد آنان در مقابله با دشمن کافر بود. جنگ سبب شد تا مردم سلحشور ایران یکبار دیگر حماسه وحدت و یکپارچگی خود را به ثبوت رسانند و درس جهاد و شهادت را به جهانیان آراسته دهند. کمکهای بیدریغ مردم معروم و مظلوم به جبهه های جنگ روحیه ایشار و گذشت فوق العاده آنان را در راه برقراری جمهوری اسلامی به همه نشان داد و خروش دوباره آنان بر علیه آمریکای جهانخوار باعث شد تا ام الفساد قرن بیش از پیش رسوا گردد. جنگ تحمیلی نشان داد که پایداری جمهوری اسلامی و عشق مردم ایران به اسلام و انقلاب اسلامی بالاتر از آن است که جهانخواران تصور میکنند و ایران کشوری است که مردم آن با حمایت گسترده و همه جانبه شان از حکومت انتخابی خود هرگز شکست نخواهد خورد. جنگ تحمیلی نشان داد که ارتش

غیور ایران برخلاف تصور اینسکه جهانخواران ازان داشتند نقطه امیدانان برای ایجاد بحران در ایران گشته بود. در صحنه عمل ظاهر گردیده و با استقامت و استواری هرچه تمامتر در مقابل دشمن کافر به نبرد برخاسته و اسلامی بودن خود را به تمامی به اثبات رساند. ارتش ایران که در زمان شاه خانن تنها آلت دست وی بوده و شاه آمریکایی روحیه راحت طلبی را در آنان پرورش میداد، با شروع این جنگ به تحرکی وسیع افتاد و عناصر ناباب آن نیز در جریان جنگ مشخص گردیده و طرد شدند و ارتش جمهوری اسلامی ایران برآستی نشان داد که قادر است در پرتو ایمان، اگر چه با سلاحهای کمتر، به دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی پرداخته و از آن تا پای جان حفظ و حراست نماید. ضمن آنکه همکاری و هماهنگی پدید آمده



بین برادران ارتشی و برادران سپاه پاسداران نیز خود نقطه قوتی است که میتواند در آینده ایران را دارای ارتشی مکتبی و مردمی نماید. جنگ حالت رکود و سستی را به حرکت تبدیل نمود و جوششی تازه در بین ملت آفرید که خود باعث افزایش روحیه ملت مسلمان در ادامه حرکت انقلاب اسلامی شد. از طرف دیگر جنگ برای مردم مظلوم و مسلمان عراق نیز فرصتی پدید آورد تا به مبارزات خود بر علیه صدام کافر وسعت بیشتری داده و خود را از زیر یوغ این رژیم جبار رها سازند. تا آنجا که رژیم صدام برای سرکوب حرکت های مردمی در عراق ناگزیر از استفاده از سربازان مصری واردنی گردید و ملت عراق نیز بروشنی به ماهیت رژیم خونخوار عراق پی برده و دانستند که تنها راه چاره آن است که

رژیم صدام کافر سرنگون گردد. بدین ترتیب بوضوح روشن است که اثرات مثبت جنگ برای مردم مسلمان عراق و ایران بطور قابل ملاحظه ای بیشتر از اثرات منفی آن بوده و پس از اتمام جنگ آن اثرات منفی نیز در مدت کوتاهی برطرف گردیده و با بسیج همه جانبه مردم میتوان در مدت کوتاهی همان اثرات منفی را نیز به نفاذ مثبت تبدیل نمود و بطور خلاصه در رابطه با اثرات جنگ بایستی به سخن امام استناد کرد که فرمودند: «الخير في ما فجع»

### در جنگ چه گذشت؟

صدام که به خیال پیروزی در عرض چند روز حمله به ایران را آغاز نمود، خیلی زود دریافت که محاسباتش غلط از آب در آمده و پایه های حکومت غاصبانه اش در معرض سرنگونی قرار گرفته است. از بین رفتن تأسیسات اقتصادی و نظامی ثروتمند عراق از یک طرف و اشفتگیهای روزافزون عراق بعثت مبارزات مجاهدان عراقی از طرف دیگر سبب شد تا وابستگی عراق به امپریالیسم بسرعت آشکار شود. سیل کمک های اقتصادی و نظامی کشورهای مرتجع عرب که بلافاصله بعد از آشکار شدن شکست صدام و بحران در آن کشور بسوی عراق سرازیر گردید. همچنین قراردادهای فراوان عراق با کشورهای خارجی برای خرید اسلحه و لوازم جنگی و مواد غذایی وابستگی این کشور به دول مرتجع و امپریالیستی را بروشنی آشکار نمود. اما علیرغم کمک های وسیع و همه جانبه تمام این کشورها به عراق و حمایت های سیاسی، اقتصادی و نظامی آنان، عراق نتوانست مدت زیادی به پرده پوشی ادامه دهد و پس از چندی از آغاز جنگ بران شد تا به هر نحو ممکن از شر جنگ خلاصی یافته و خود را از چنگال بحرانهایی که با شروع جنگ شدت بیشتری یافته بود، نجات دهد. از این زمان عراق همه تلاش خود را برای برقراری صلح بکار بست و همزمان تبلیغات گسترده ای را نیز بر علیه ایران آغاز نمود.

رفت و آمد هیئت های صلح به ایران و عراق و طرحهایی که کفرانس طائف در این باره پیشنهاد کرده بود، تماما در جهت رهایی عراق از جنگ و تحمیل صلح به ایران بود و ملت قهرمان ایران نیز علیرغم مشکلات فراوان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که با آنها درگیر بود، تن به ذلت نداده و صلح غیر اصولی و سازش تحمیلی را که نتیجه ای جز پایداری رژیم صدام و سرکوب مبارزات مردم عراق در پی نداشت نپذیرفتند و به تبقیه در صفحه بعد



# جنگ، جنگ، تاپیروزی

تحکیم هر چه بیشتر پایه‌های جمهوری اسلامی نیز گردیده‌اند چرا که مقاومت یکساله ملت ایران در برابر عراق و همدستانش در شرایطی که درگیریهای داخلی نیز در ایران جریان داشته و هیچ کمکی نیز به ایران نشده است نشان دهنده قدرت جمهوری اسلامی و یکپارچگی مردم می‌باشد و اینک جهانیان نیز اعتراف دارند که پایداری جمهوری اسلامی بیشتر از آن است که مورد تصور آنان بوده است. علاوه بر آن ایران اسلامی علیرغم مشکلات داخلی خود نشان داده است که قادر با نبرد با صهیونیسم بوده و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نورزیده است و خلاصه آنکه آمریکا و نوکرش صدام علاوه بر آنکه چیزی از بابت جنگ نصیصشان نگردیده و به هیچیک از اهداف خود در آغاز جنگ نرسیده‌اند، شاهد رشد و شکوفایی انقلاب اسلامی و وحدت و مقاومت مردم ایران بودند که این خود بر مشکلات قبلی امپریالیسم برای درهم کوبیدن امواج خروشان انقلاب اسلامی افزوده است.

اینده جنگ تحمیلی را می‌توان بر مبنای آنچه که تا کون در طول جنگ روی داده است پیش بینی نمود. جنگ با تمام فراز و نشیب‌هایی که تا کون داشته است اینک به مرحله‌ای رسیده که عراق برای ادامه و پیشروی بنیه بیشتری نداشته و بخصوص به لحاظ نیروی انسانی شدیداً در مضیقه بسر می‌برد. اصرار و پافشاری بیش از حد صدام برای برقراری صلح دلیل خوبی برای اثبات این مدعاست. البته صدام از برقراری صلح با ایران اهداف دیگری را نیز دنبال می‌کند که مهمترین آنها خاموش کردن صدای حق طلبانه مسلمانان عراق می‌باشد زیرا با برقراری صلح صدام به آنان خواهد گفت که ما در حال صلح با کشوری هستیم که شما خواهان داشتن حکومتی نظیر آن می‌باشید و البته آزاد شدن نیروهای درگیر در جنگ بعد از صلح نیز می‌تواند برای سرکوبی مسلمانان عراق از جانب صدام بکار گرفته شود. جمعیت عراق هم نسبت به ایران کمتر می‌باشد و از این جهت طولانی شدن جنگ برای عراق زیانبارتر است تا برای ایران و اصولاً جنگ برای ایران اکنون بصورت پدیده‌ای طبیعی در آمده و تأثیر آنچنانی بر روند حرکت جمهوری اسلامی ندارد و اگرچه ایران از حیث تسلیحات نظامی تا حدودی تحت فشار می‌باشد لیکن این امر نمی‌تواند موجب عقب

علیه ایران برای پذیرش صلح در عزم استوار مردم ایران خللی وارد نیامورد و علیرغم آنکه همزمان با این دسیسه‌ها شخصیت‌هایی نظیر رئیس جمهور و نخست وزیر ایران نیز توسط گروه‌های امریکائی شهید گردیدند مردم قهرمان ایران در کمال قاطعیت به جنگ با صدام کافر ادامه داد و پیروزیهای بزرگی

**\* در پرتو این جنگ، ارتش جمهوری اسلامی به تحرک افتاد و نشان داد که قادر است در پرتو ایمان، اگرچه با سلاحهای کمتر، به دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی بپردازد.**

نیز در همین زمان کسب نمودند. و صدام نیز با وجود همه این تلاشها و اتحاد نامقدس خود با تمام کشورهای امپریالیستی همچنان در اتش جنگی که خود برافروخته است می‌سوزد و برای دستیابی به صلح و گریز از جنگال عدالت ملت مسلمان عراق هر روز طرحی نو می‌ریزد که آخرین آنها فرستادن هیئت‌های تبلیغاتی به کشورهای اسلامی برای تبلیغ همدستی ایران و اسرائیل و همچنین تشکیل دادن اتحادیه‌ای اعراب در بغداد می‌باشد که این تلاشها نیز نمی‌تواند باعث نجات صدام گردد. در بعد نظامی نیز عراق در طول جنگ علیرغم داشتن سلاحها و امکانات فراوان نتوانسته است پیروزی چشمگیری کسب نماید و در قبال قدرت ایمان رزمندگان دلاور اسلام وادار به عقب نشینی گردیده است. ضعف روحیه و نداشتن انگیزه برای ادامه جنگ از جانب لشکریان گول خورده صدام حاکی از آن است که صدام با تمهید و فشار مردم عراق را به جبهه جنگ آورده است و این خود از جمله دلایل دیگری است که صدام را ناگزیر کرده است تا در راه پایان دادن به جنگ به هر تلاشی دست زند و این در حالی است که سپاهیان رزمنده ایران با روحیه‌ای که ناشی از ایمان آنها به اسلام می‌باشد همچنان به رزم خود ادامه می‌دهند حتی حادثه آفرینی‌های گروهک‌های امریکایی نیز کوچکترین خللی در عزم استوار آنان پدید نیامورده است. و اینک بعد از یکسال که از آغاز جنگ می‌گذرد آمریکا و صدام به روشنی دریافته‌اند که به هیچیک از اهداف خود دست نیافته‌اند و علاوه بر آن سبب

مقاومت خود همچنان ادامه دادند و این در شرایطی بود که صدام گمان می‌کرد با وجود مشکلات فراوان، ایران حتماً به صلح تحمیلی تن در خواهد داد. و راستی که با وجود کارشکنی‌های رئیس جمهور معزول بنی‌صدر و گروه‌های منافق طرفدار امریکا، مشکلات ناشی از جنگ از قبیل مسئله اوارگان جنگی، بیکاری و گرانی، ترور شخصیت‌های اسلامی و انقلابی، ایران اسلامی پایداری خود را با نپذیرفتن صلح تحمیلی بر جهانیان اثبات نمود. صدام و امریکا که از پدید آمدن صلح بکلی ناامید شده بودند در این زمان طرح دیگری را برای درهم کوبیدن انقلاب اسلامی و وادار کردن ایران به سازش به مرحله اجرا در آوردند. این طرح عبارت بود از براه انداختن یک موج تبلیغاتی در جهت همدست نشان دادن ایران و اسرائیل. شروع عملی این تبلیغات زمانی آغاز شد که اسرائیل را کشورهای اتمی عراق را بمباران نمود و عراق نیز بلافاصله اعلام داشت که از جانب فارسها و صهیونیستها متحداً مورد حمله قرار گرفته است که البته بعدها همدستی عراق با اسرائیل در جهت انجام این نقشه بر همگان روشن شد. بعد از این واقعه که تا مدت‌ها خوراک تبلیغاتی دستگاه‌های خبری امپریالیستی و صهیونیستی بود هواپیمایی ارتش اسرائیل در شوروی سقوط نمود که این جریان نیز از جانب محافل امپریالیستی مورد بهره برداری قرار گرفته و اظهار داشتند که این هواپیما حامل اسلحه از اسرائیل برای ایران بوده است و عراق نیز تا مدت‌ها بر روی این خبر کار کرد تا شاید بتواند حاصلی دریافت کند و اخیراً نیز شاهد بودیم که بوقهای خبری امپریالیستی - صهیونیستی متحداً پیرامون خرید اسلحه ایران از اسرائیل تبلیغ نمودند تا بدینوسیله از اعتبار جمهوری اسلامی در نزد ملتهای مستضعف تا حد ممکن بکاهند و معلوم نیست که اگر راستی ایران از اسرائیل اسلحه خریده است و بالنتیجه ایران در خط اسرائیل و امریکاست پس چرا اینهمه نیرنگ از جانب آنان بر علیه انقلاب اسلامی صورت گرفته و اساساً چه دلیلی دارد که امریکا و اسرائیل خود آغازگر این تبلیغات باشند؟ بهرحال این تبلیغات بنحوی شرمناک‌ای بر علیه انقلاب اسلامی آغاز گردیده است و حتی پس از اعلام تشکیل جبهه اسلامی ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی از جانب ایران خیرگزاریه‌های امریکایی از آنجا که جبهه اسلامی ضد امپریالیستی تغییر نام دادند تا وانمود سازند که ایران ضد صهیونیست نمی‌باشد. این کوششهای تبلیغاتی نیز بعنوان فشارهایی بر

تشیینی و تن دادن ایران به صلحی تحمیلی گردد، روحیه رزمندگان ایران نیز به مراتب قوی تر از روحیه لشکریان فریب خورده صدام می باشد و از آنجا که صدامیان با اکراه و اجبار به جنگ آورده شده اند فاقد روحیه نظامی لازم برای ادامه نبرد می باشند اگر چه جنگ اینک با تحرک کمتری ادامه داشته و حالت رکود و سکون در اغلب جبهه ها به چشم می خورد و این امر می تواند موجب ضعف روحیه نظامی گردد اما ارتش اسلام با حملاتی که در بحرانی ترین اوضاع اجتماعی - سیاسی ایران انجام داده است نشان داده که در صورت لزوم دارای توان رزمی و روحیه خوب برای ادامه نبرد و پیشروی می باشد. براین اساس آنچه را که با قاطعیت هر چه تمامتر می توان اظهار داشت آن است که پیروزی صدام در این جنگ از جمله امور محال می باشد و با نگرشی عمیق تر می توان بدین نکته نیز پی برد که صدام تا کتون با توجه به آنچه رخ داده، پذیرای شکست در ابعاد سیاسی و نظامی بوده است. صدام که با آغاز جنگ بر علیه ایران رویای رهبری جهان عرب و ارتقاء به مرتبه شاه معدوم - ژاندارمی خلیج - را داشت اینک در کمال ضعف و زبونی بدینال واسطه ای می گردد تا بین او و ایران صلح برقرار سازد صدام خوب می داند که اوضاع بحرانی داخلی کشورهای عربی که در اثر حکومت های وابسته آنان بوجود آمده طوری نیست که آنها بتوانند مدت زیادی به کمک های خود به صدام ادامه دهند انچنان که هم اکنون با گسترش مبارزات اسلامی مردم مصر و سرکوبی آنان از جانب سادات، مصر عملاً دیگر نمی تواند به کمک های خود به عراق ادامه دهد و بهرحال پیروزی در این جنگ لامحاله نصیب جبهه اسلام خواهد شد و ایران اسلامی با توجه به مقاومتی که تا کتون از خود نشان داده است در این جنگ نیز سرافراز و پیروز جبهه ها را ترک خواهد نمود. این نکته نیز لازم به یادآوری است که اثرات اعمال خیانتکارانه جبهه متحد ضدانقلاب به رهبری فراریان از کشور را بر روی جنگ نمی توان نادیده گرفت و بهرحال آنان با این اعمال ضد اسلامی و ضد ملی خود و دادن اطلاعات نظامی ایران به صدام امریکایی تا حدودی موجب تقویت روحیه نظامیان صدام گردیده اند اما بایستی توجه داشت که پدید آمدن وحدت و انسجام هر چه شتر بین مسئولین امور کشور می تواند بن اثرات را خنثی نموده و آنان را از درگیر شدن با مسائل درونی به مسئله اصلی، جنگ، وق دهد. بهرحال با توجه به آنکه مردم دلاور و مسلمان ایران با عزمی استوار چونان رزمندگان صدر اسلام به نبرد با متجاوزان

بعنی پرداخته اند تا از میهن اسلامی خود دفاع نمایند در پیروزی حتمی اسلام نمی توان هیچگونه تردیدی داشت اما برای تسریع این پیروزی نیز بایستی اقداماتی صورت پذیرد که در این رابطه آنچه به نظر ما می رسد آن است که حتی المقدور در جبهه ها تحرک بیشتری ایجاد گشته و با برنامه ریزیهای منطبق با واقعیات جنگ را از حالت تدافعی خارج ساخته و به حالت تهاجمی بدل نمود. این امر علاوه بر آنکه می تواند موجب تقویت باز هم بیشتر روحیه سربازان دلاور اسلام گردد، روحیه ضعیف سربازان عراقی را نیز می تواند به تزلزل بیشتری دچار ساخته و آنان را ناگزیر از فرار نماید. بایستی با تلفیق تخصص نظامی و روحیه و ایمان مردمی در جبهه ها تلاش بیشتری را آغاز کرد و مطمئناً چنانچه برنامه های تهاجمی وسیع وجود داشته باشد و

### \* علیرغم اهداف امریکا از

تحمیل جنگ بر ایران که میخواست تا دوباره ایران بلحاظ تسلیحاتی به در یوزگی او برود و نیز ناگزیر از افزایش فزونی و کاهش قیمت نفت شود، ایران هرگز دست به سوی او دراز نکرد و نیز ثابت قدم تر از سایر اعضای اوپک خواستار افزایش بهای نفت و کاهش تولید آن شد.

در جبهه ها تحرک بیشتری احساس شود با بسیج همه جانبه مردم می توان دشمن اشغالگر را از خاک میهن عزیز اسلامی بسرعت بیرون راند. در داخل کشور بایستی جنگ همچنان بعنوان مسئله اصلی تلقی شده و ریشه های پدید آمدن جنگ که همانا منبعث از ماهیت اسلامی و ضد استکباری انقلاب می باشد برای همه مردم شکافته گردد و با برنامه های آموزشی رزمی مردم را برای مقابله باز هم علنی تر با شیطان بزرگ و نوکران دیگرش در اطراف ایران که احتمال حمله آنان به ایران نیز بعید نمی باشد، آماده ساخت. از لحاظ اقتصادی باید صدمات ناشی از جنگ را با برنامه ریزیهای اصولی جبران نموده و با پیاده کردن طرحهای زیر بنایی با گرانی و بیکاری به مقابله برخاست تا علاوه بر آنکه ضدانقلاب به لحاظ تبلیغاتی خلع سلاح می شود مردم نیز با امیدواری بیشتری به جنگ خود بر علیه کفار بعنی ادامه دهند، با

گروهکهای مفسد و اقدامات مخرب آنان با قاطعیت بیشتر برخورد نموده و جبهه داخلی را از دسیسه ها و تفرقه افکنی های آنان در امان داشت. نکته دیگر آنکه از جمله مسائل ضروری که باید سخت بدان توجه نمود و با کمال تأسف ما نیز از این بابت در ضعف سر برده ایم مسئله تبلیغات است. در ابتدای جنگ ما شاهد بودیم که کشورهای نظیر روسیه و لیبی و کره شمالی و چند کشور دیگر شدیداً از جمهوری اسلامی حمایت نمودند و کشورهای مرتجع عرب نیز حداقل در ظاهر موضع بی تفاوتی اتخاذ نمودند. اما رفته رفته با تبلیغات گسترده ای که عراق شروع کرده تا حدودی وضعیت تغییر نمود. عراق برای جلب حمایت کشورهای مختلف یا تحریف مواضع ایران هر روز دست به اقدام تازه ای می زند که بعنوان مثال فرستادن حدود چهل هیئت به کشورهای اسلامی برای اثبات همکاری ایران و اسرائیل را می توان نام برد و این در شرایطی است که مواضع جمهوری اسلامی پیرامون جنگ و اینکه جنگ را برآستی چه کسی آغاز کرده است برای بسیاری از کشورها بخوبی تشریح شده است. اگر چه با فعال شدن وزارت امور خارجه و وزارت ارشاد اسلامی در هفته های اخیر تا حدودی این تقیصه جبران شده است اما باز هم می توان عادلانه تر با مسئله جنگ برخورد نموده و در بعد تبلیغی کوشش بیشتری در جهت حقانیت جمهوری اسلامی انجام داد و فراموش نکنیم که اهمیت مسئله تبلیغات در دنیای کونی در سطحی است که می توان آنرا نیز همپای جبهه های جنگ دانست.

در پایان با آرزوی پیروزی هر چه سریعتر رزمندگان پر توان اسلام به روان تمامی شهیدانی که در راه رسیدن به آرمانهای متعالی اسلامی و برای دفاع از دست آوردهای انقلاب اسلامی جان خود را فدا کردند درود می فرستیم و برآستی روحیه شهادت طلبی که اینک به جای رخوت و سستی دوران طاغوت در بین امت ما پدید آمده است، خود می تواند به تغییر فرهنگ مادی حاکم بر جوامع منجر شده و سرانجام بشریت را از قید اسارت مادیات صرف رها ساخته و اعلی درجه رشد و تکامل برساند. فداکاری و ایثار شهیدانی که در جنگ تحمیلی از جان خود گذشتند و حماسه هایی که فرزندان قهرمان میهن اسلامی با بستن نارنجک به خود برای مقابله با دشمن در جبهه ها آفریدند هرگز فراموش نخواهد شد و دنیای کونی نیز سرانجام روزی بر حقانیت راه این شهیدان بزرگوار اعتراف خواهد نمود.

والسلام

دفتر تحقیقات اجتماعی جهاد سازندگی